

## خفاشان عاطفه کُش

نرگس غفاری



نام: عاطفه، نام خانوادگی: سهاله رجبی، زادگاه: شهرستان نکا در شمال ایران، سن: 16 سال، حکم: اعدام، جرم: **زن بودن!**

در حکومت حاکم بر سرزمینمان مدت زمانی طولانی است که انسان بودن گناه شمرده می شود. تاوان این گناه را علاوه بر مردان و محدودیت‌هایشان در عرصه های سیاسی و اجتماعی، زنان به طور مضاعف پرداخته و می پردازند.

در فرهنگ این قبیله حاکم، زن که وسیله ایست برای عیش و عشرت و ارضای جنسی مردان، نباید نقش دیگری بازی کند و به همین دلیل به اشکال مختلف، سرنیزه به سوی زنان نشانه می رود. اولین گام را رژیم با شعار "یا روسری یا توسری" برداشت و با پاشیدن اسید به صورت زنان بی حجاب و بد حجاب! با قانونی کردن حجاب اجباری، قصد ارباب زنان و راندن آنها به کنج خانه ها- همان کاری را که طالبان در افغانستان کرد- داشته و هنوز هم دارد.

در تابستان 1367 و در جریان قتل عام زندانیان سیاسی، رژیم، زنان را نه تنها مورد شکنجه های مشابه مردان قرار داد بلکه با تجاوز جنسی به آنان پیش از اعدام، ضربه های روحی- روانی بسیار شدیدی را به آزادیخواهان وارد آورد.

از بدو سر کار آمدن دولت خاتمی این ملای مدره! با توجه به جمعیت بالای جوان کشور، سید خندان برای جذب جوانانی که تنها از سوی حکومت تحقیر و سرکوب می شدند و برای دور کردن آنان از مسائل سیاسی ضد رژیم، مجبور به دادن امتیازهایی به آنان شد. با ورود اینترنت به ایران و در دست قرار گرفتن این وسیله ارتباطی قوی، جوانان به دنیای خارج از ایران وصل شدند و بزودی سومین رتبه و بلاگ نویسی در جهان را به خود اختصاص دادند و همین امر نیز باعث ورود زنان به صحنه های اجتماعی و سیاسی شد. ولی بنا به ماهیت ضد زن رژیم، ملاها تاب نیاورده و به سرکوب هرچه بیشتر زنان پرداخته و متوجه اشتباهی که مجبور به انجامش بودند، شدند.

اینروزها مطبوعات داخل کشوری وابسته به رژیم مملو از مقالات و گزارشهایی است که بر ضد زنان به چاپ می رسد و داد و اسلاما سر می دهند که جامعه اسلامی در خطر است. چرا؟ چون زنان حجاب اسلامی را رعایت نمی کنند و باید دوباره ماشین سرکوب را که به اندازه کافی سوخت گیری کرده، تندتر از گذشته به پیش ببرند.

پس از زنانه- مردانه کردن پارکها، اولین مکانی را که برای اسلامی شدن ایران باید تعطیل کرد مراکز خرید و فروش لباسهای زیر زنان می باشد! چرا که حتی لباس زیر زنانی که از سر تا پا پوشیده شده اند را هم باید ملاها تالین کنند. این از خصوصیات این رژیم است که در خصوصی ترین موارد زندگی مردم دخالت دارد و حق تائین تکلیف.

با این همه باید به زنان داخل ایران درود فرستاد که شجاعانه در برابر این رژیم ایستاده و در عین حالی که روسری به سر و مانتو به تن دارند، این پوشش اسلامی را با مدهای غربی آمیخته و اینگونه اعتراض خود

نسبت به یک رژیم عقب مانده و ارتجاعی را ابراز می کنند. رژیم برای تنبیه این زنان فاسد! و خودفروش! همانطور که میبینیم اعدام زنان را افزایش می دهد تا علاوه بر از میان بردن زنان معترض، به بقیه هم درس عبرتی داده بلکه دیگران خفه شوند و هرچه این ملاحای عصر حجر می گویند گوش و اجرا کنند. غلو نیست اگر بگوییم که سرنگونی رژیم به چند تار موی زنان بند است و زنان در سرنگونی این هیولا نقش مهمی را ایفا می کنند چرا که رژیم بدلیل ترسی که از آزاد شدن انرژی زنان دارد، همواره فشاری مضاعف را بر زنان مملکتمان وارد آورده است. در افکار آخوندی، زنان ضعیفه هایی هستند که همواره باید مواظبشان بود و کنترلشان کرد مبادا از راه بدر شوند. بعد از جنگ پس از اینکه رژیم دهها هزار پسر بچه را به کوره های آدمسوزی خود ریخت، دختران به تحصیلات خود ادامه داده و امروز شصت درصد از دانشجویان دانشگاهها را دختران تشکیل می دهند. اما رژیم یا از پذیرفتن دختران دانشجو خودداری می کند یا دانشگاهها را به فروش می رساند.

حتما عاطفه رجبی هم مانند میلیونها جوان در نقاط مختلف دنیا از شنیدن کلمه دوستت دارم از سوی پسری، گلهای قرمز بر روی گونه هایش می نشست و دلش می خواسته تا با عشق دوران جوانی اش، تنها باشد. بی شک او نیز مانند هر مادر دیگری دوست داشته از این دوران برای دخترش تعریف کند و طبیعی است که با یادآوری این دوران خوش جوانی، تبسم بر لبش بنشیند. عاطفه رجبی به جرم زنای محسنه، دستگیر و پس از یک محاکمه بدون حضور وکیل، بدلیل اینکه این دختر جوان 16 ساله در برابر قصابش ساکت ننشسته و زبان به اعتراض می گشاید، برخلاف قوانین ارتجاعی خود ملاحا، عاجز از تشکیل یک دادگاه نمایشی، سزای زبان درازیهایش! را می ببندد و قصاب (قاضی شرع) حکم اعدامش را صادر می کند و این امر بی درنگ انجام می گیرد. پرواضح است که عاطفه نه اولین و نه آخرین قربانی این رژیم ضد انسان است. تا زمانیکه این خفاشان عاطفه کش، مرتجع و ضد انسان حاکمند، چاره ای جز ایجاد ترس، شلاق، شکنجه، سنگسار، دست و پا بریدن، اعدامهای خیابانی و... ندارند زیرا در غیر این صورت به زباله دانی تاریخ فرستاده خواهند شد که قطعا سرنوشتی جز این در پیش رویشان نیست. زنان به جان آمده از قوانین عصرحجری ملاحا، به رویارویی با عوامل سرکوب در خیابانها پرداخته و با شجاعت از خود دفاع می کنند. دیگر مانند اوایل انقلاب با دیدن پاسدارهای هار و تا دندان مسلح، ترسی به خود راه نمی دهند. با آنان درگیر شده و به عنوان اعتراض روسری خود را از سر کنده و به ماموران نیروی انتظامی زن نیز حمله می کنند و چادر و مقنعه را از سرشان بر می دارند. این است نسل جوان زن ایرانی که با اینکه از لحظه تولد، گناه دختر بودن را با پوست و گوشت و استخوان لمس می کند، اما زاری و خفت را نمی پذیرد و با آن به جنگ بر می خیزد.



یاد تمامی ستاره گان بی فروغ گرامی باد  
هر تار موی یک زن بنده مسیر تقوا؟

این خود گواه آن بس، پندارتان سیاه است

شد پرده سیاهی معیار پاکی زن

ای صبحدم گریزان معیارتان سیاه است

( شیرین رضویان )

کانادا

13 شهریور 83

[nargesghaffari@yahoo.com](mailto:nargesghaffari@yahoo.com)

+++++

برچیده از:

<http://www.esmailvafa.com/Articles/Atefeh2.htm>